

یک دختر خانم زیبا خطاب به رئیس شرکت امریکایی ج پ مورگان نامه ای بدین مضمون نوشته است:
می خواهم در آنچه اینجا می گویم صادق باشم. من ۲۴ سال دارم. جوان و بسیار زیبا، خوش اندام، خوش هیكل، خوش بیان، دارای تحصیلات آکادمیک و مسلط به چند زبان دنیا هستم. آرزو دارم با مردی با درآمد سالانه ۵۰۰ هزار دلار یا بیشتر ازدواج کنم.

شاید تصور کنید که سطح توقع من بالاست، اما حتی درآمد سالانه یک میلیون دلار در نیویورک هم به طبقه متوسط تعلق دارد چه برسد به ۵۰۰ هزار دلار. خواست من چندان زیاد نیست. آیا مردی با درآمد سالانه ۵۰۰ هزار دلاری وجود دارد؟ آیا شما خودتان ازدواج کرده اید؟ سؤال من این است که چه کنم تا با اشخاص ثروتمندی مثل شما ازدواج کنم؟

چند سؤال ساده دارم:

پاتوق جوانان مجرد و پولدار کجاست؟

چه گروه سنی از مردان به کار من می آیند؟

معیارهای شما برای انتخاب زن کدامند؟

امضا، خانم زیبا و خوش اندام

و اما جواب مدیر شرکت مورگان:

نامه شما را با شوق فراوان خواندم. در نظر داشته باشید که دختران زیادی هستند که سئوالاتی مشابه شما دارند. اجازه دهید در مقام یک سرمایه گذار حرفه ای موقعیت شما را تجزیه و تحلیل کنم:
درآمد سالانه من بیش از ۵۰۰ هزار دلار است که با شرط شما همخوانی دارد، اما خدا کند کسی فکر نکند که اکنون با جواب دادن به شما، وقت خودم را تلف می کنم.

از دید یک تاجر، ازدواج با شما اشتباه است، دلیل آن هم خیلی ساده است:

آنچه شما در سر دارید، مبادله منصفانه «زیبایی» با «پول» است. اما اشکال کار همین جاست: زیبایی شما رفته رفته بعد از ده سال آرام آرام به کل محو می شود اما پول من، در حالت عادی بعید است بر باد رود. در حقیقت، درآمد من سال به سال بالاتر خواهد رفت اما زیبایی شما نه؛ و چین و چروک و پیری زودرس زنانه جایگزین این زیبایی خواهد گردید و اثری از این جوانی و زیبایی باقی نخواهد ماند.

از نظر علم اقتصاد، من یک «سرمایه رو به رشد» هستم اما شما یک «سرمایه رو به زوال».

به زبان وال استریت، هر تجارتی «موقعیتی» دارد. ازدواج با شما هم چنین موقعیتی خواهد داشت. اگر ارزش تجارت افت کند، عاقلانه آن است که آن را نگاه نداشت و در اولین فرصت به دیگری واگذار کرد و این چنین است در مورد ازدواج با شما.

بنابراین هر آدمی با درآمد سالانه ۵۰۰ هزار دلار نادان نیست که با شما ازدواج کند به همین دلیل ما فقط با امثال شما قرار می گذاریم و استفاده می کنیم اما ازدواج نه هرگز.

اما اگر شما علاوه بر جوانی و زیبایی کالایی داشته باشید که مثل سرمایه من رو به رشد باشد و یا حداقل نفع آن از من منقطع نشود؛ کالاهایی با ارزش مثل «انسانیت، پاکدامنی، شعور، اخلاق، تعهد، صداقت، وفاداری، حمایت، دوست داشتن، عشق و ...»، آن وقت احتمالاً این معامله برای من هم سود فراوانی خواهد داشت؛ چون ممکن است من حتی فاقد دارایی هایی با ارزش با مشخصات شما باشم و برای داشتن آنها پول زیادی خرج کنم.

چون بعد چند مدت از ازدواج، بیش از زیبایی، اندام و هیكل، مواردی که بیان کردم برای زندگی مشترک لازم بوده و من شدیداً به آنها نیاز پیدا خواهم کرد.

در هر حال به شما پیشنهاد می کنم که قید ازدواج با آدم های ثروتمند را بزنید. به جای آن شما خودتان می توانید با کمی تفکر و تلاش و با داشتن درآمد سالانه ۵۰۰ هزار دلاری، فرد ثروتمندی شوید. اینطور، شانس شما بیشتر خواهد بود تا آن که یک پولدار احمق را پیدا کنید.

امیدوارم این پاسخ کمکتان کند.

امضا رئیس شرکت ج پ مورگان